



اصول و شاخصه های کارآمدی دولت در اندیشه امام خمینی قدس سرہ

پدیدآورده (ها) : رضوانی، محسن
علوم سیاسی :: علوم سیاسی - دانشگاه باقرالعلوم (ع) :: پاییز 1381 - شماره 19
از 151 تا 166
آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/101103>

دانلود شده توسط : مهدی عبدالحمید
تاریخ دانلود : 26/02/1394

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه **قوانین و مقررات** استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

کارآمدی دولت در اندیشه سیاسی امام خمینی(ره)

تاریخ دریافت: ۸۱/۴/۳

تاریخ تایید: ۸۱/۸/۱۳

محسن رضوانی*

«بحران کارآمدی» مسئله‌ای است که امروزه کشور ما را مورد تهدید جدی قرار داده است. طرح و تبیین دیدگاه‌های اندیشمندان فلسفه‌ان سیاسی اسلام، می‌تواند راهکارهای مهم و اساسی را برای حل این معضل ارائه دهد. در این راستا مقاله حاضر به طرح اندیشه امام خمینی(ره)، یکی از بارزترین فلسفه‌ان سیاسی معاصر، در خصوص کارآمدی پرداخته و بیست شاخصه مهم کارآمدی دولت تحت عنوان کارآمدی اخلاقی، حقوقی، اقتصادی، مدنیتی و سیاسی با استناده از مجموعه صحیفه امام، ارائه و تبیین شده است.

واژه‌های کلیدی: کارآمدی، کارآمدی دولت، اندیشه سیاسی اسلام، اندیشه سیاسی امام خمینی، امام خمینی.

مقدمه

کارآمدی دولت از مباحث بسیار مهم در اندیشه سیاسی است و دولتها با وجود داشتن مشروعيت، اگر کارآمد نباشند، این امر موجب بحران کارآمدی و در نهایت بحران مشروعيت می‌شود. از جمله

* حجۃ‌الاسلام محسن رضوانی، پژوهشگر مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.



بحران‌های جدی و تهدید کننده کشور ما، بحران کارآمدی است.

متاسفانه در کشور ما هنوز درباره این مفهوم کاری علمی صورت نگرفته است و تنها کتابی که در این زمینه نوشته شده،^۱ در عین برخورداری از غنای علمی، تنها به جنبه‌های تئوریک مساله پرداخته و تئوری‌های مهم کارآمدی را مورد ارزیابی قرار داده است. طرح و تبیین دیدگاه‌های آندیشمندان و فیلسوفان سیاسی اسلام در این زمینه راهکارهای مهم و اساسی را پیش روی محققان می‌گذارد.

در این بیان، دیدگاه‌های امام خمینی با عنایت به تصدی ده ساله مسؤولیت رهبری جمهوری اسلامی، می‌تواند بسیار راهگشا باشد و مقاله حاضر به این موضوع پرداخته است. در این مقاله، دولت به مفهوم عام و گسترده مد نظر است و واژه کارآمدی در مفهوم کلان آن به معنای «موفقیت» به کار رفته و نه صرفاً به معنای اقتصادی آن.

حکومت اسلامی حکومتی کارآمد

در حکومت اسلامی، رفاه و سعادت دنیا و آخرت برای همه بشر تضمین شده است، اما شرط آن اجرای اسلام به تمام معنا، یعنی آن گونه که بر پیامبر اکرم نازل شده و توجه مسؤولان نظام و مردم به همه ابعاد آن است:

ان شاء الله اگر حکومت اسلامی جریان پیدا بکند، برای همه رفاه هست، برای همه سعادت است، برای همه رفاه و سعادت دنیا و آخرت است.^۲

حکومت اسلامی اگر همه ان شاء الله پیاده بشود، به آن طوری که بر پیغمبر اسلام نازل شده است، سعادت دنیا و آخرت ملت‌ها را ضمانت کرده است.^۳

این امر به سبب وجود و گرد آمدن شاخصه‌های همه جانبه و کم نظیر در حکومت اسلامی است. عمدۀ این شاخصه‌ها به گونه‌ای هستند که به تنهایی قادرند کارآمدی حکومت اسلامی را تضمین کنند. برخی از این شاخصه‌ها عبارتند از:

۱. حکومت اسلامی مساوی تمدن و ترقی است: «حکومت اسلامی مساوی با پیشگاری و تمدن و ترقی است، نه مخالف با آن است»;^۴

۲. حکومت اسلامی مبتنی بر رعایت حقوق بشر است: «حکومت اسلامی مبتنی بر حقوق بشر و ملاحظه آن است. هیچ سازمانی و حکومتی به اندازه اسلام ملاحظه حقوق بشر را نکرده است»;^۵

۳. آزادی و دموکراسی به تمام معنا در حکومت اسلامی وجود دارد: «آزادی و دموکراسی به تمام معنا در حکومت اسلامی است»;^۶

۴. در حکومت اسلامی بین دولت و ملت رابطه سلطنه و تسلط وجود ندارد: «اسلام در رابطه بین دولت و زمام دار و ملت ضوابطی و حدودی معین کرده است و برای هر یک بر دیگری حقوقی تعیین نموده است که در صورت رعایت آن هرگز رابطه مسلط وزیر سلطه به وجود نمی‌آید»؛^۷

۵. فضای حکومت اسلامی فضای محبت است: «در حکومت اسلام جو، جو محبت است. بین شخص اول مملکت با ادنی فردی که به حسب نظر مردم ادنی حساب می‌شوند فرق اساسی مربوط به دنیا نیست»؛^۸

۶. در حکومت اسلامی همه چیز برای رفاه مردم است: «در حکومت اسلامی، اداره‌اش برای رفاه مردم است، نظامش برای رفاه مردم است، رئیس جمهورش برای رفاه مردم است، نخست وزیرش برای رفاه مردم است، و محیط، محیط محبت، [است]».^۹

بنابراین حکومت اسلامی اقتضانات لازم و ضروری برای کارآمدی همه جانبه را داراست؛ اما شانیت و اقتضا کافی نیست، بلکه حکومت اسلامی باید نگاهی صحیح به حکومت داشته و سپس اصول و شاخصه‌هایی را که دولت اسلامی را کارآمد می‌کند به خوبی شناسایی کند و در مرحله بعد آنها را بدون کم و کاستی به اجرا در آورد.

ماهیت دولت و حکومت در اسلام

در اندیشه سیاسی امام خمینی، ماهیت دولت و حکومت در اسلام، خدمت‌گزاری به مردم است. هر میزان که دولت‌ها بتوانند خدمت‌گزار باشند، به همان میزان خواهند توانست پشتیبانی ملت را به خود جلب کرده، کارآمد باشند و جلو هر گونه شکست و ناکامی را بگیرند.^{۱۰} در دیدگاه امام، این مسئله آن قدر اهمیت دارد که اساساً معتقدند اسلام حکومت به معنای معارف ندارد؛ بلکه آنچه در اسلام مورد تأکید است «خدمت‌گزاری به مردم» است: «اسلام حکومت به آن معنا ندارد، اسلام خدمت‌گزار دارد. شما خودتان را حاکم مردم ندانید، شما خودتان را خدمت‌گزار مردم بدانید. حکومت همان خدمت‌گزاری است».^{۱۱}

خدمت‌گزاری مردم فضیلتی آنچنان والا است که حتی انبیا و اولیای بزرگ خدا نیز خود را خدمت‌گزار مردم می‌دانستند:

انبیا خودشان را خدمت‌گزار می‌دانستند، نه این که یک نبی ای خیال کند حکومت دارد بر مردم، حکومت در کار نبوده، اولیای بزرگ خدا، انبیای بزرگ همین احساس را داشتند که اینها آمده‌اند برای این که مردم را هدایت کنند، ارشاد کنند، خدمت کنند.^{۱۲}

در نظر امام؛ مفهوم مقابل خدمت‌گزاری، فرمانفرمای است. دولتها تا زمانی می‌توانند ادعای



خدمتگزاری به مردم کنند و کارآمد باشند که خود را واقعاً نوکر مردم قلمداد کنند: «دولت‌ها خدمتگزار مردم هستند، نه فرمانفرما»^{۱۳} «دولت مال مردم است، نوکر مردم است، دولت‌ها خدمتگزار مردمند»،^{۱۴} «دولت‌ها اقلیتی هستند که باید برای خدمت این ملت باشند. دولت خدمتگزار ملت باید باشد نه حاکم بر ملت».^{۱۵}

دولت کارآمد باید بتواند خدمتگزاری خویش را هم در مقام بیان و هم در مقام عمل به ملت نشان دهد. «حکومت باید در خدمت مردم باشند و به مردم حالی کنند که ما خدمتگزاریم، حالی کنند لفظاً، حالی کنند عملاً».^{۱۶}

این نوع نگاه به دولت، اصول و شاخصه‌های خاصی را برای کارآمدی ارائه می‌دهد که مختص «دولت خدمتگزار» است. در اینجا اصول و شاخصه‌های کارآمدی دولت بر اساس آندهیشه سیاسی امام خمینی را تبیین می‌کنیم.

اصول و شاخصه‌های کارآمدی دولت

در آندهیشه سیاسی امام خمینی، اصول و شاخصه‌های کارآمدی دولت را می‌توان در چند بخش تقسیم بندهی کرد که کارآمدی اخلاقی، حقوقی، اقتصادی، مدیریتی و سیاسی از جمله موارد مهم آن به شمار می‌روند. البته تقسیم بندهی مذکور بدان معنا نیست که مباحث زیرمجموعه آن به طور کامل و دقیق مرتبط با همان بخش هستند، بلکه اساساً برخی از مباحث در ارتباط با چند حوزه هستند که در اینجا تنها در یکی از بخش‌ها ذکر شده است.

کارآمدی اخلاقی

۱. فتح قلوب مردم: در آندهیشه امام خمینی، «فتح قلوب» از اهمیت بالایی برخوردار است. دولت‌ها اگر چه به راحتی می‌توانند مملکت و ملتی را زیر سلطه خویش بکشانند، اما هرگز نمی‌توانند دل‌های آنان را متوجه خویش کنند. «ای دولت‌ها، فتح مملکت که چیزی نیست، فتح قلوب مهم است».^{۱۷} حکومت بر دل‌ها تنها راه اقتدار دولت‌هاست و کارآمدی و پایداری دولت‌ها نیز در صورتی است که ملت با تمام وجودش موافق با آن باشد «وقتی حکومتی پایه قدرتش به دوش ملت نباشد و ملت با قلبش با آن موافق نباشد، هر چه قدر تمدن باشد هم نمی‌تواند پایداری کند».^{۱۸}

امام معتقدند در صدر اسلام، رمز چیرگی حکومت اسلامی بر امپراتوری‌های بزرگ، حکومت بر قلوب مردم بوده است. «حکومت صدر اسلام، حکومت بر قلوب بود و لهذا با جمیعت‌های کم بر امپراتوری‌های بزرگ غلبه کردند».^{۱۹}

اما این که چه حکومت‌هایی بر قلوب مردم حکومت دارند، بنا بر دیدگاه امام، حکومت‌های مردمی، ملی، خدمت‌گزار، الهی، اسلامی و عادلانه همگی حکومت‌هایی هستند که حکومت بر قلوب مردم دارند.^{۲۰}

۲. تزکیه دولتمردان: در حکومت اسلامی، حاکم و کارگزاران باید از نظر اخلاقی خود را تزکیه کرده باشند. اصلاح و افسادکشی و حتی کشورها بستگی به رعایت یا ترک این اصل مهم دارد. تزکیه دولتمردان اهمیت بیشتری نسبت به تزکیه افراد عادی دارد.

تزکیه برای دولتمردان، برای سلاطین، برای رؤسای جمهور، برای دولتها و برای سردهداران بیشتر لازم است تا برای مردم عادی. اگر افراد عادی تزکیه نشوند و طفیان پیدا کنند، یک طفیان بسیار محدود است. لکن اگر طغیان در کسی شد که مردم او را پذیرفتند، این گاهی یک کشور و گاهی کشورها را به فساد می‌کشد.^{۲۱}

معیار نامیدن حکومتی با عنوان «حکومت اسلامی»، عمل و پایبندی به این اصل است، به طوری که شخصی یا اشخاصی که در رأس حکومت قرار دارند باید خود را از حیث اخلاقی تزکیه کنند. اگر آن کسی که در رأس حکومت است، خودش را اصلاح نکند و تابع قوانین اسلام نباشد، قوانین اسلام را در مملکت وجود خودش اجرا نکند، این نمی‌تواند حکومت اسلامی باشد و حاکم اسلامی باشد.^{۲۲}

مرکز تحقیقات فناوری علوم اسلامی

کارآمدی حقوقی

۳. حاکمیت قانون: قانون محور وحدت یک نظام سیاسی محسوب می‌شود. همه ادیان، به ویژه دین مبین اسلام، برای ارائه واجرای قانون در جامعه آمده‌اند و به سبب اهمیت آن، همه انبیاء، پیامبر اسلام، ائمه علیّه السلام و خلفای اسلامی خود را در برابر آن خاضع و تسليم می‌دانستند. «از صدر عالم تا کنون تمام انبیاء برای برقرار کردن قانون آمده‌اند و اسلام برای برقرار کردن قانون آمده است و یغمصیر اسلام و ائمه اسلام و خلفای اسلام تمام برای قانون خاضع بوده‌اند و تسليم قانون بوده‌اند». ^{۲۳}

عمل به قوانین جلو هرگونه اختلاف و بی‌نظمی را گرفته و جامعه را به سمت اهداف تعیین شده سوق می‌دهد. بنابر دیدگاه امام، وجود اختلافات در جامعه ناشی از قانون شکنی‌هاست. «اگر همه اشخاص و همه گروه‌ها و همه نهادهایی که در سرتاسر کشور هستند به قانون خاضع بشویم و قانون را محترم بشماریم، هیچ اختلافی پیش نخواهد آمد. اختلاف از راه قانون شکنی‌ها پیش می‌آید». ^{۲۴}

اسلام از آن جا که دین مترقی ای است، پیشرفت‌ترین قوانین را نیز دارد و عمل به این قوانین معیار اسلامی بودن یک کشور به حساب می‌آید و در مقابل، مخالفت با آن قوانین مخالفت با اسلام

محسوب می‌گردد. «در کشوری که قانون حکومت نکند، خصوصاً قانونی که قانون اسلام است، این کشور را نصی‌توانیم اسلامی حساب کنیم، کسانی که با قانون مخالفت می‌کنند، اینها با اسلام مخالفت می‌کنند». ۲۵

بنابراین امام معتقدند، هر کشوری که به قوانین اسلام عمل نماید بدون شک از پیشرفته‌ترین کشورها خواهد شد». ۲۶

کارآمدی اقتصادی

۴. اجرای برنامه اقتصادی اسلام: اجرای درست برنامه اقتصادی اسلام، ملت را در رفاه و آسایش قرار می‌دهد. اگر ملت ایران تسلیم احکام اسلام شوند و از دولتها بخواهند برنامه مالی اسلام را با نظر علمای اسلام اجرا کنند. تمام ملت در رفاه و آسایش زندگی خواهند کرد». ۲۷

۵. ریاست اقتصادی مسؤولان: این مسئله در اندیشه امام از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. ایشان در سیره، عمل و گفتارشان، همیشه در تلاش بودند مسؤولان را به این نکته توجه دهند که زندگی شخصی خویش را باید با کم درآمدترین قشر جامعه سازگار کنند؛ شیوه‌ای که کاملاً منطبق با گفتار و عملکرد حضرت علی علیه السلام است.

ما آرزوی همچو حکومتی [حکومت حضرت امیر علیه السلام] داریم. یک حکومت عادل که نسبت به افراد رعیت علاقمند باشد، عقیده‌اش این باشد که باید من نان خشک بخورم که مبادا یک نفر در مملکت من زندگی اش پست باشد، گرسنگی بخورد. ۲۸

اقناع و رضایت مردم یکی از نتایج مهم این رفتار است. اگر مردم در کمبودها و مشکلات مسؤولان رانیز همراه و شریک خود بدانند طبیعتاً قانع شده و دست از شورش و عصيان بر می‌دارند. با رعایت همین اصل می‌توان کارآمدی دولت را تضمین کرد. «اگر یک حکومت و دستگاه‌های حکومت زندگی شخصی‌شان جوری باشد که مردم بینند تزدیک به زندگی آنهاست، مردم قانع می‌شوند، مردم راضی می‌شوند، عصيان تمام می‌شود». ۲۹

توجه و عمل نکردن به این اصل، از عوامل مهم انحطاط و زوال دولت‌هast. آن روزی که دولت ما توجه به کاخ پیدا کرد، آن روز است که باید فاتحه دولت و ملت را بخوانیم. آن روزی که رئیس جمهور از آن خوی کوخ نشینی بیرون برودو به کاخ نشینی توجه بکنده، آن روز است که انحطاط برای خود و برای کسانی که با او تماس دارند پیدا می‌شود. آن روزی که مجتبیان خوی کاخ نشینی پیدا کنند و این خوی ارزنه کوخ نشینی بیرون بروند،

آن روز است که ما برای این کشور باید فاتحه بخوانیم.^{۳۰}

۶. توجه به قشر کم درآمد: تمرکز دولت در برنامه‌ریزی اقتصادی باید در طبقه ضعیف و کم درآمد و اقشار پایین جامعه باشد. «ما باید برای این طبقه کارگر و کارمند، که ضعیف هستند، طبقه‌ای که شما اینها را پایین می‌دانید در حالی که اینها از همه شما بالاتر و بلند مقام‌تر هستند، باید دولت‌ها برای اینها کار بکنند». ^{۳۱}

دولتی که بر اساس مدل حکومتی امام علی علیه السلام اداره می‌شود، باید با تمام قدرت برای این قشر دلسوزی و خدمت کند؛ امری که متأسفانه همیشه دولت‌ها به جهمت رعایت نکردن اصل «ریاضت اقتصادی مسؤولان» از آن غفلت می‌کنند. «دولت واقعاً باید با تمام قدرت آن طوری که علی علیه السلام برای محرومین دل می‌سوزاند، دل بسوزاند. مثل یک پدری که بچه‌هایش اگر گرسنه بمانند، چطور با دل افسرده دنبال این می‌رود که آنها را سیر کند». ^{۳۲}

۷. پرهیز از فشار بر مردم: اگر اسلام برای تأمین زندگی دنیا و آخرت مردم است، باید نظام اسلامی به گونه‌ای باشد که مردم در آن احسان آرامش کنند. سختگیری و فشار، به ویژه در مقوله‌های اقتصادی، باعث دلسردی مردم و در نتیجه خارج شدن آنها از صحنه می‌شود. «اگر دولت بخواهد مردم را در فشار قرار دهد، بازار را در فشار قرار دهد، بداند که فاتحه آن دولت هم خوانده خواهد شد»، ^{۳۳} «ما باید بسیار به فکر مردم باشیم و بر آنان سخت تغیریم که از صحنه خارج شوند»، ^{۳۴}

در مقابل فشار و سختگیری، جلب نظر مردم از جمله امور لازم و ضروری است. «جلب نظر مردم از اموری است که لازم است. بیغمبر اکرم جلب نظر مردم را می‌کرد، دنبال این بود که مردم را جلب کند». ^{۳۵}

۸. دولت محدود: اگر دولت بخواهد کارآمد باشد باید از گسترش حوزه دولتی پرهیز کند. دولت با مشارکت دادن مردم در امور، می‌تواند به عنوان نهاد نظارت کننده بر تمامی امور عمل کند. بر اساس دیدگاه امام، کشوری که در آن مالکیت دولتی فraigیر باشد، به گونه‌ای که مردم از صحنه مالکیت کلان حذف شوند، آن کشور به بیماری مهلکی دچار شده است.

دنبال این نباشد که هر چیزی را دولتی کنید، دولتی کردن در یک حدودی است که معلوم است، لکن مردم را شرکت بدهید، بازار را شرکت بدهید. ^{۳۶}

دولت بی‌شرکت ملت و توسعه بخش‌های خصوصی جوشیده از طبقات محروم مردم و همکاری با طبقات

مختلف مردم با شکست مواجه خواهد شد. کشاندن امور به سوی مالکیت دولت و کارگذاشتن ملت، بیماری مهلهکی است که باید از آن احتراز شود.^{۳۷}

۴. امنیت اقتصادی: دولت اسلامی باید امنیت سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی، تجاری و تولیدی مردم را تأمین کند.

دولت اسلامی باید مردم را در همه چیز مطمئن کند، در سرمایه‌هایشان، در کسبشان، در کارخانه‌هایشان، در همه چیز مردم در آرامش باشند و دولت ابدآ نمی‌تواند به آنها تعدی بکند و نباید تعدی بکند و اگر کسی تعدی کرد، تأدیب خواهد شد.^{۳۸}

کارآمدی مدیریتی

۱. شایسته سalarی: بی‌شک کارآمدی دولت در پرتو شایسته سalarی آن به دست می‌آید و در دیدگاه امام نیز تنها راه شایستگی ملت و کشور، شایستگی دولت آن است.

بدبختی و خوبی‌خوشی ملت‌ها بسته به اموری است که بکی از مهمات آن صلاحیت داشتن هیأت حاکمه است. اگر چنانچه هیأت حاکمه، کسانی که مقررات یک کشور در دست آنهاست، اینها فاسد باشند، مملکت را به فساد می‌کشند، همه بعدهای مملکت را رو به نیستی و فساد می‌برند.^{۳۹}

تا دولت صالح نباشد مملکت صلاحیت پیدا نمی‌کند.

یکی از راههای شایسته سalarی، گزینش مسؤولان از طبقات متوسط و پایین جامعه است. اساس ادامه یک پیروزی و انقلاب در امری است که به نظر می‌آید در رأس امور واقع است، و آن این که دولت، مجلس و کسانی که در ارتش و سپاه هستند از طبقه متوسط و مادون باشند. مادامی که مجلس و ارگان‌های دولتی از این طبقه تشکیل بشود، امکان ندارد یک دولت و قدرت بزرگ اوضاع را به هم بزند.^{۴۰}

از دیگر راهکارهای شایسته سalarی، گزینش نیروهای متعدد و متخصص در دولت است. دولت برای کسب کارآمدی لازم در همه امور، باید از افراد متعدد و متخصص در رشته‌های گوناگون استفاده کند. گزینش مدیران در دولت یا هر نهاد دیگری باید کاملاً منطبق بر اصول و ضوابط باشد. در دیدگاه امام می‌توان به برخی از این موارد، از جمله کاردانی، تعهد، خدمت بهتر و در خدمت منافع ملت بودن اشاره کرد. اگر گزینش‌ها بر اساس روابط دوستی، آشنایی... باشند، طبیعتاً موجب ناکارآمدی دولت و آن نهاد می‌گردد؛ البته دوستی و آشنایی‌ای موجب ناکامی و ناکارآمدی می‌شود که بر اساس منطق، فکر

و تأمل نباشد.

دولت بدون گزینش اشخاص متهد و متخصص در رشته‌های مختلفه موفق خواهد شد و دولتمردان در گزینش همکاران به کارданی و تمهد آنان و بهتر خدمت کردن آنها به کشور و در منافع ملت بودن تکیه کنند تا در پیش حق تعالی و ملت رو سفید باشند، نه بر دوستی و آشنایی و حرف شنوی بی‌تفکر و تأمل که این رویه موجب ناکامی در خدمت به کشور است. دوست خوب برای دست اندکاران آن است که در پیشرفت امور محوله به آنان مؤثر باشد و در خدمت ملت باشد، نه در خدمت آنان، هر که و هر چه خواهد بود. دولتمردان از دانشمندان و متخصصان متهد استمداد کنند تا راز موقفيت را به دست آورند.^{۴۲}

۱۱. وجود ان کاری: در حکومت اسلامی، دولتمردان، کارمندان، روحانیان، بازاریان، همه باید وظایفی را که به آنان محول شده، به خوبی انجام دهند و در این صورت است که مشکلات کشور حل می‌شود.

اگر یک مملکت کارمندش و دولتش و ملتش و روحانیتش و بازارش و همه چیز، وقتی هر کدام به آن وظایفی که خدای تبارک و تعالی محول کرده بر آنها، خوب عمل کردند، این مملکت بعد از چندی همه‌اش درست می‌شود.^{۴۳}

وجود ان کاری از عوامل مهم پشتیبانی ملت از دولت است، چون «وقتی دولت خوب کار کند برای ملت، آنها هم پشتیبان اند». ^{۴۴} استعفای مدیران ناکارآمد، عملی صالح و عبادت به شمار می‌رود.

ای متصدیان و دولتمردان از رده به اصطلاح بالا تا پایین، به هوش باشید که در دو راهی سعادت و شقاوت قرار دارید. اگر به واسطه سوء مدیریت و ضعف فکر و عمل شما، به اسلام و مسلمین ضرری و خللی واقع شود و خود می‌دانید و به تصدی ادامه می‌دهید، مرتكب گناه عظیمی و کبیره مهلكی شده‌اید که عذاب بزرگ دامنگیرتان خواهد شد. هر یک در هر مقام احساس ضعف در خود می‌کند، چه ضعف مدیریت و چه ضعف اراده، از مقاومت در راه هواهای نفسانی، بدون جو سازی، دلاورانه و با سرفرازی نزد صالحان از مقام استعفا کند که این عمل صالح و عبادت است.^{۴۵}

۱۲. رسیدگی سریع به امور مردم: تجمل پرستی، اسراف و کاغذبازی اداری، یکی از عوامل مهم ناکارآمدی دولت محسوب می‌گردد. این عمل باعث طولانی تر شدن رسیدگی به امور مردم شده و در

نتیجه مردم را به پشتیبانی از نظام و دولت دلسرد می‌کند. «باید تمام ادارات از تجمل پرستی و اسراف و کاغذبازی بپرهیزند و کار مردم را سریعاً انجام دهند». ۴۶

۱۲. اصلاح اداری: دولت برای بالا بردن رشد کارآمدی خویش نیازمند اصلاح اداری در مقاطع مختلف است. این عمل از جمله اموری است که انجام ندادن به موقع آن باعث رشد معکوس کارآمدی دولت است. «اصلاح دولت و اصلاح ادارات و اصلاح جامعه و بازسازی، همه اینها بر دوش شما آقایانی است که در رأس امور هستید و چنانچه همت نگمارید چه بسا که ما قدم را به واپس برداریم». ۴۷

۱۳. فساد زدایی: وجود فساد در جامعه و تعقیب و ترمیم نکردن آن یکی از عوامل مهم زوال و انحطاط دولت است. «دولت و همه موظفند، وقتی فسادی واقع شد، اغماض نکنند، و همان یک مورد را از بین بپرند تا سرایت نکند تا این که یک جمهوری به فساد کشیده بشود و یا در دنیا بد نام شود». ۴۸

۱۴. پرهیز از بروخورد تکلیفی با مردم: حکومت بر اساس تکلیف و تکلف بر مردم یکی از عوامل جدایی مردم از دولت و مسؤولان است.

اگر این احساس بشن باید که من آن بالا هستم و دیگران باید از من اطاعت بکنند و یک تکلیفی است، و بخواهید با تکلیف و تکلف به مردم حکومت کنید، این باز به حالت سابقه بر می‌گردد و مردم از شما جدا می‌شوند. ۴۹

کارآمدی سیاسی

۱۵. وحدت دولت و ملت: پای‌بندی به اصل وحدت موجب سلامت و استحکام کشور می‌شود و این اصل زمانی فرو می‌پاشد که دولت کارنامه نامطلوبی داشته باشد. و در برایر، سلامت یک کشور در صورتی تضمین خواهد شد که همه اشاره جامعه، حکومت کنندگان و حکومت شوندگان، با یکدیگر تفاهم و همدلی داشته باشند و از کار یکدیگر پشتیبانی و بر آن نظارت کنند. چنین کشوری طبیعتاً شکست‌ناپذیر خواهد بود.

اگر یک کشور بخواهد یک کشور سالمی باشد، باید بین دستگاه حاکمه با ملت تفاهم باشد. ۵۰

اگر یک مملکتی دولت و ملت، ارتش و ملت، قوای انتظامی و ملت با هم شدند و هر دو احساس کردند که باید خدمت به هم بکنند، یک همچو مملکتی و کشوری شکست نخواهد خورد.^{۵۱}

منشاً همه گرفتاری‌ها در کشور، جدایی میان دولت و ملت است. در صورت تحقق این امر، فساد اقتصادی، اخلاقی، اداری، سیاسی و ... هم در میان مردم و هم در میان دولتمردان رشد یافته و باعث پوسیده شدن بدنه اصلی نظام می‌گردد.

جدایی دولتها از ملت‌ها منشاً همه گرفتاری‌هایی است که در یک کشوری تحقق پیدا می‌کند.^{۵۲}

دولت و مردم نبایستی از یکدیگر جدا باشند، اگر جدا شدند، ملت از گرفتاری دولت خشنود می‌شود و مردم از مالیات و کار می‌درزدند، ولی هرگاه یکی باشند، مردم گلیم زیر پای خود را در موقع لزوم می‌فروشند و به دولت می‌دهند تا رفع نیاز دولت بشود.^{۵۳}

در اندیشه امام، حل مشکل جدایی ملت و دولت، در دست دولت‌هاست.

جدایی ملت از دولت بلکه رو در رو قرار گرفتن آنها، موجب ضعف آنها و گرفتاری دولت و ملت شده است، و تا این مشکل را خود دولتها رفع نکنند روی سعادت را نخواهند دید و همیشه گرفتار دست خیانتکاران و اجابت خواهند بود.^{۵۴}

اساساً قدرت ملی و مردمی، بالاترین قدرت‌هاست.

این یک اشتباہی از حکومت‌ها بوده است که خیال می‌کردند که اگر قدرت‌های بزرگ را به دست بیاورند، بهتر از این است که قدرت ملت خودشان را به دست بیاورند، و این علاوه بر این که یک خیانت به ملت‌ها بوده است، آن کامیابی که باید برای یک انسان باشد و آن ارزشی که باید برای یک انسان باشد اینها از دست داده بودند.^{۵۵}

۱۷. مشارکت مردم؛ رمز موقیت و کارآمدی دولت، برخورداری از مشارکت و حمایت همه جانبه تمام افسار مردم است. دولت به تنها‌یی هرگز قادر به انجام دادن همه وظایفش نیست.

من از شما خواستارم که به دولت کمک کنید، و فقط این نیاشد که منتظر باشید دولت همه کارها را بکند، دولت نمی‌تواند همه کارها را انجام بدهد، شماها باید پشتیبانی کنید.^{۵۶}
نمی‌شود که ملت کثار بنشیند و بگوید دولت همه کارها را بکند، یک همچو خرابه بزرگی را دولت به این زودی‌ها، اگر قدرت ملت نباشد، نمی‌تواند آباد کند.^{۵۷}

مشارکت و حمایت مردمی از عوامل مهم انحطاط ناپذیری حکومت‌هاست. «اگر مردم پشتیبان

یک حکومتی باشند، این حکومت سقوط ندارد. اگر یک ملت پشتیبان یک رژیمی باشند، آن رژیم از بین نخواهد رفت».^{۵۸}

دولتها در صورتی که به ملت خویش بها و اعتبار ندهند، طبیعی است که از حمایت مردمی برخوردار نخواهند بود. امروزه تها راه موفقیت و کارآمدی دولتها، برخورداری از حمایت مردمی و جلب رضایت آنان است.

دولتها خودشان را فرمانفرما و ولی امر و همه چیز می‌دانند و برای ملت هیچ اعتباری قائل نیستند، از این جهت از پشتیبانی ملت محرومند.^{۵۹}

ملتها اگر با یک چیزی مخالفت کردند، دولتها نمی‌توانند اجرا بکنند. لمروز مثل سابق نیست که یک دولتی باید هر غلطی می‌خواهد بکند، خیر، باید موافق امیال صحیحه ملت عمل بکند، نوکر ملت باید باشد، نه آقای ملت.^{۶۰}

یکی از جلوه‌های مشارکت مردمی، مشورت و مشاوره دولت با مردم و نمایندگان صردم است. تصمیمات دولت هنگامی کارآمد است که همراه با مشورت و مشاوره با مردم یا نمایندگان آنان باشد. «در حکومت به طور قطع باید زمامداران امور دائمًا با نمایندگان ملت در تصمیم‌گیری‌ها مشورت کنند و اگر نمایندگان موافقت نکنند نمی‌توانند به تنها یکی تصمیم گیرنده باشند».^{۶۱}

۱۸. عدالت پروری: حکومت عادل مردم عادل پرورش می‌دهد.

اگر حکومتها عادل باشند، کم کم مردم را به صورت خودشان در می‌آورند.^{۶۲} آن کسی که به یک ملتی حکومت دارد، چنانچه عدالت پرور باشد، دستگاه او عدالت پرور خواهد شد، قشرهایی که به او مرتبط هستند به عدالت گرایش پیدا می‌کنند، تمام اداراتی که تابع آن حکومت است، خواه نا خواه به عدالت گرایش پیدا می‌کنند و عدالت گسترشده می‌شود.^{۶۳}

باید دولتی به وجود بیاید که با همه قشرها به عدالت رفتار کند، و امتیاز بین قشرها ندهد، مگر به امتیازات انسانی که خود آنها دارند.^{۶۴}

حکومت عادل می‌تواند تمام مصالح کشور را تأمین کند، در حالی که حکومت ظالم عامل تمام بدیختی‌های کشور است. «مفاد از حکومتها سرچشمه می‌گیرد، حکومت عدل تمام مصالح کشور را تأمین می‌کند و حکومت ظلم تمام بدیختی‌ها را برای یک ملتی ایجاد می‌کند».^{۶۵}

۱۹. انتقاد پذیری: حکومت اسلامی باید انتقادات را تحمل و از آن استقبال کند. انتقادات از

دولت و عملکردهای آن باعث رشد و بالندگی کارآمدی دولت خواهد بود «کوچکترین فرد می‌تواند آزادانه و بدون وجود کمترین خطر به بالاترین مقام حکومتی انتقاد کند و از او در مورد اعمالش توضیح بخواهد». ۶۶

۲۰. پرهیز از سیاست بازی‌های گروهی؛ برای رسیدن به کارآمدی باید از سیاست بازی‌های گروهی پرهیز کرد. سیاست صحیح اسلامی آن است که در کشور شیوه و فکر واحد حکومت کند.

دولتمردان با رویه و فکر واحد برای رسیدن به آنچه صلاح اسلام و کشور است به پیش روند

و این سیاست صحیح اسلامی است و خدای نخواسته در سیاست بازی‌های گروهی وارد نشوند که با ناکامی مواجه می‌شوند. ۶۷

من از همه ارگان‌های دولتی و ملی و همه گروه‌ها می‌خواهم که از گروه‌گرایی و دسته‌بندی و فرucht طلبی و هواهای نفسانی احتراز کنند و خود را در راه خدمت به ملت و خلق مستضعف قرار دهند و از راهی که ملت می‌رود منحرف نشوند. ۶۸

علاوه بر این، وحدت و همدلی میان دولتمردان، کارآمدی و موققیت دولت را بالا می‌برد. سفارش دوم آن است که بین خودتان، بین وزرا، بین دولت‌ها برادری باشد. شما برای اسلام می‌خواهید خدمت کنید، نمی‌خواهید که برای خودتان کاری بکنید، شما می‌خواهید برای این ملت محروم در طول تاریخ خدمت بکنید، نمی‌خواهید که جیب خودتان را بر کنید. ۶۹

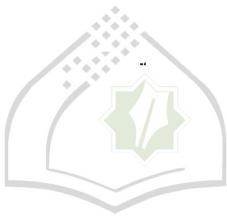
پی نوشت‌ها

۱. محمدجواد لاریجانی، مباحثه در مشروعت
وکارآمدی (تهران: سروش، ۱۳۷۳).
۲. امام روح الله خمینی، صحیفه امام (تهران: مؤسسه
تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸) ج ۷، ص ۱۴.
۳. همان، ج ۱۳، ص ۳۶۶.
۴. همان، ج ۵، ص ۶۹.
۵. همان.
۶. همان.
۷. همان، ص ۴۰۹.
۸. همان، ج ۷، ص ۳۳۳.
۹. همان، ج ۷، ص ۲۲۸.
۱۰. همان، ج ۹، ص ۴۲۰.
۱۱. همان، ج ۱۳، ص ۲۰۲.
۱۲. همان، ج ۱۵، ص ۳۵۸.
۱۳. همان، ج ۹، ص ۱۸.
۱۴. همان، ج ۱، ص ۲۹۷.
۱۵. همان، ج ۱۱، ص ۸۹.
۱۶. همان، ج ۱۳، ص ۳۸۲.
۱۷. همان، ج ۱، ص ۱۲۱.
۱۸. همان، ج ۷، ص ۵۱۰.
۱۹. همان، ج ۱۴، ص ۱۸۰.
۲۰. همان، ج ۷، ص ۵۲۷-۵۲۹.
۲۱. همان، ج ۱۴، ص ۳۹۲.
۲۲. همان، ج ۷، ص ۲۸۴.
۲۳. همان، ج ۱۴، ص ۴۱۶.
۲۴. همان.
۲۵. همان.
۲۶. همان، ج ۵، ص ۲۰۴.
۲۷. همان، ج ۱، ص ۱۳۷.
۲۸. همان، ج عرصه ۵۷.
۲۹. همان، ج ۷، ص ۲۵۹.
۳۰. همان، ج ۱۷، ص ۳۷۶.
۳۱. همان، ج ۷، ص ۳۲۵.
۳۲. همان، ج ۱۸، ص ۱۵۹.
۳۳. همان، ج ۱۷، ص ۲۵۱.
۳۴. همان، ج ۱۹، ص ۴۴.
۳۵. همان، ج ۱۷، ص ۲۵۱.
۳۶. همان، ج ۱۹، ص ۴۰۹.
۳۷. همان، ج ۱۹، ص ۱۵۷.
۳۸. همان، ج ۱۷، ص ۱۶۱.
۳۹. همان، ج ۵، ص ۳۱۴.
۴۰. همان، ج عرصه ۴۶.



مرکز تحقیقات کمپویز علوم اسلامی

۴۱. همان، ج ۱۶، ص ۱۹.
۴۲. همان، ج ۱۹، ص ۱۵۷.
۴۳. همان، ج ۹، ص ۴۸۰.
۴۴. همان، ج ۱۷، ص ۳۸۳.
۴۵. همان، ج ۱۹، ص ۱۵۷.
۴۶. همان، ج ۶، ص ۲۶۶.
۴۷. همان، ج ۱۵، ص ۴۹۲.
۴۸. همان، ج ۱۶، ص ۱۷۳.
۴۹. همان، ج ۱۳، ص ۳۷۱.
۵۰. همان، ج ۸، ص ۲۳۰.
۵۱. همان، ج ۹، ص ۱۴۴.
۵۲. همان، ج ۹، ص ۱۱۸.
۵۳. همان، ج ۱، ص ۱۲۳.
۵۴. همان، ج ۹، ص ۱۲۹.
۵۵. همان، ج ۱۴، ص ۲۲۲.
۵۶. همان، ج ۶، ص ۵۲۹.
۵۷. همان، ج ۱۰، ص ۳۳۲.
۵۸. همان، ج ۸، ص ۳۷۲.
۵۹. همان، ج ۱۱، ص ۹۴.
۶۰. همان، ج ۱۵، ص ۳۷۳.
۶۱. همان، ج ۵، ص ۴۳۶.
۶۲. همان، ج ۵، ص ۴۴۲.
۶۳. همان، ج ۹، ص ۱۳۵.
۶۴. همان.
۶۵. همان.
۶۶. همان، ج ۵، ص ۴۴۹.
۶۷. همان، ج ۱۹، ص ۱۵۷.
۶۸. همان، ج ۱۲، ص ۴۴۳.



مرکز تحقیقات فایوئر علوم اسلامی